

Social and Cultural Representation of Names in Hafez's Poetry: A Study based on Wardhaugh and Fuller's Indexicality and Linguistic Identity Framework

Zahra Babasalari¹

Abstract

This study aims to analyze the functions of personal and place names in representing social and cultural identity in Hafez's poetry. Drawing on Wardhaugh and Fuller's theoretical framework and employing a qualitative method with purposive sampling, nine selected names in three categories—religious (Yusuf, Musa, Isa), geographical (Canaan, Kaaba, Bengal), and national—mythical (Jamshid, Siyavash, Bahram)—were examined. Findings indicate that religious names, in addition to referring to sacred figures, convey symbolic meanings such as salvation, guidance, and miracle, playing a key role in expressing mystical layers of the poems. Geographical names, besides denoting real locations, reflect cultural identity, social affiliation, and trans-cultural scope in Hafez's work. Finally, national and mythical names highlight Iran's historical and cultural identity, showing how Hafez links the mythic past with contemporary social contexts. Comparison with previous research in Persian and international literature suggests that names in literary texts function not only as tools for character portrayal but also as instruments for representing power, identity, and social values. Therefore, analyzing names in Hafez's poetry emphasizes the importance of literary onomastics for a deeper understanding of the interaction between language, culture, and society.

Keywords: literary onomastics, Hafez, social identity, religious and mythical names, sociolinguistics.

¹ Assistant Prifessor, Department of Linguistics & Foreign Languages, Payam Noor University (PNU), Tehran, Iran. Z.babasalari@pnu.ac.ir

بازنمایی اجتماعی - فرهنگی نام‌ها در شعر حافظ: مطالعه‌ای بر اساس رویکرد شاخص‌مندی و هویت زبانی وارداف و فولر

ژهرا باباسالاری

چکیده

این پژوهش با هدف تحلیل کارکرد نام‌ها در بازنمایی هویت اجتماعی و فرهنگی در اشعار حافظ با تکیه بر چارچوب نظری وارداف و فولر و بهره‌گیری از روش کیفی و نمونه‌گیری هدفمند، ۹ نام منتخب در سه حوزه مذهبی (یوسف، موسی، عیسی)، جغرافیایی (کنعان، کعبه، بنگاله) و ملی - اساطیری (جمشید، سیاوش، بهرام) بررسی شدند. یافته‌ها نشان داد که نام‌های مذهبی علاوه بر ارجاع به شخصیت‌های دینی، حامل مفاهیم نمادین چون رستگاری، هدایت و معجزه هستند و نقش مهمی در بیان لایه‌های عرفانی شعر ایفا می‌کنند. نام‌های جغرافیایی علاوه بر اشاره به مکان‌های واقعی، بیانگر هویت فرهنگی، تعلق اجتماعی و گستره بینافرهنگی حافظاند. در نهایت، نام‌های ملی و اساطیری بازتاب‌دهنده هویت تاریخی و فرهنگی ایران هستند و حافظ با به‌کارگیری آنها توانسته است پیوند میان گذشته اسطوره‌ای و حال اجتماعی خویش را نشان دهد. مقایسه با پژوهش‌های پیشین در ادبیات فارسی و بین‌المللی نشان می‌دهد که نام‌ها در متون ادبی نه تنها ابزار شخصیت‌پردازی بلکه ابزاری برای بازنمایی قدرت، هویت و ارزش‌های اجتماعی هستند. بنابراین، تحلیل نام‌ها در اشعار حافظ، ضرورت توجه به نام‌شناسی ادبی به مثابه ابزاری برای درک عمیق‌تر تعامل زبان، فرهنگ و جامعه را آشکار می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: نام‌شناسی ادبی، حافظ، هویت اجتماعی، نام‌های مذهبی و اساطیری، زبان‌شناسی اجتماعی.

۱- مقدمه

زبان ابزار ارتباطی انسان‌ها و بازتاب‌دهنده فرهنگ، ارزش‌ها و هویت اجتماعی جامعه نیز به شمار می‌آید. ادبیات هم به عنوان بخشی از بازنمایی‌های زبانی می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند که در پژوهش‌های مختلف به آن اشاره شده است. این موضوع باعث شده است که بررسی ادبیات از این جهت همواره مورد توجه قرار گیرد. بر همین مبنا، پژوهش حاضر شکل گرفت تا در یکی از ادبیات کلاسیک فارسی، غزلیات حافظ، تعدادی از نام‌ها مورد بررسی قرار گیرد، چرا که احتمال دارد تحلیل از نظر زبان‌شناختی اجتماعی

^۱ استادیار، گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور Z.babasalari@pnu.ac.ir

این نام‌ها بتواند نشان دهد که چگونه زبان و جامعه در هم تنیده‌اند و چگونه شاعر از این قابلیت برای بازنمایی روابط اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی استفاده کند. از آنجا که بررسی همه جوانب امکان‌پذیر نیست، از طریق طرح دو پرسش، جنبه‌های مدنظر پژوهش حاضر معرفی می‌شود.

یکی از پرسش‌های کلیدی این پژوهش این است که بر اساس چارچوب مدنظر این پژوهش، نام‌ها در اشعار حافظ چه نقش‌هایی در بازنمایی هویت اجتماعی و فرهنگی دارند؟ پرسش دوم آن است که چگونه می‌توان با تحلیل نام‌ها، روابط قدرت و جایگاه اجتماعی شخصیت‌ها را در فضای شعری حافظ شناسایی کرد؟

از منظر نظری، رویکرد جامعه‌شناسی زبان وارداف^۱ و فولر^۲ (۲۰۲۱) بر این نکته تأکید دارد که زبان تنها وسیله انتقال پیام نیست، بلکه بافتار اجتماعی و فرهنگی استفاده‌کنندگان از زبان را نیز بازتاب می‌دهد. به عبارت دیگر، هر واژه یا نام انتخاب شده در متن، تحت تأثیر زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی نویسنده و مخاطب قرار دارد. با این توصیف، به نظر می‌رسد این رویکرد می‌تواند امکان تحلیل عمیق نام‌ها در شعر را فراهم آورد، زیرا براساس این دیدگاه انتخاب یک نام نه تنها جنبه بلاغی دارد، بلکه نشان‌دهنده نگرش‌های اجتماعی و هنجارهای فرهنگی زمان شاعر نیز هست.

نکته دیگر این است که در مجموع، تحلیل نام‌ها از منظر جامعه‌شناسی زبان، علاوه بر درک معنای صریح واژه‌ها، امکان بررسی ساختارهای قدرت، جایگاه اجتماعی و نمادهای فرهنگی را در اشعار فراهم می‌کند. این رویکرد، زمینه‌ای علمی و مستند برای پژوهش حاضر فراهم می‌آورد و می‌تواند الگویی برای تحلیل‌های مشابه در ادبیات کلاسیک و معاصر فارسی باشد.

۲- مروری بر ادبیات و مبانی نظری

تحلیل نام‌ها در متون ادبی یکی از حوزه‌های مهم زبان‌شناسی اجتماعی است، زیرا نام‌ها علاوه بر شناسایی شخصیت‌ها، حامل اطلاعات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی‌اند و بازنمایی هویت فردی و جمعی را ممکن می‌سازند. در ایران و تعدادی از کشورها، پژوهش‌های متعددی به تحلیل نام‌ها در متون ادبی پرداخته‌اند که در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می‌شود.

در مجموعه مقالات هلند^۳ و همکاران (۲۰۰۷)، جایگاه نام‌ها در بازنمایی هویت فردی و جمعی و تعامل با فرهنگ و جامعه بررسی شد. برای نمونه، مقاله آینیالا^۴ (۲۰۰۷) نشان داد که نام‌های جغرافیایی علاوه بر شناسایی مکان، بیانگر تعلق اجتماعی و فرهنگی گویندگان است و مقاله برندلر^۵ (۲۰۰۷) نیز مفهوم هویت نام و اهمیت آن در مطالعات نام‌شناسی را توضیح داد و چارچوب نظری مناسبی برای تحلیل

^۱ Wardhaugh, R.

^۲ Fuller, J. M.

^۳ Helleland, B.

^۴ Ainiala, T.

^۵ Brendler, S.

نام‌ها در متون ادبی ارائه کرد. این پژوهش‌ها ضرورت مطالعه نظام‌مند نام‌ها و ارتباط آنها با هویت فرهنگی و اجتماعی را تأکید می‌کنند و پایه‌ای نظری برای تحلیل نام‌ها در متون کلاسیک فراهم می‌آورند.

در ژانر دیستوپیا؛ باتلر^۲ (۲۰۱۰، ۲۰۱۳) نشان داد که انتخاب نام‌ها در متون ادبی هم به شخصیت‌پردازی کمک می‌کند و هم بازتاب‌دهنده روابط قدرت و ارزش‌های اجتماعی است. تحلیل نام‌های جغرافیایی و شخصی در آثار زامیاتین^۳ (ما)، هاکسلی^۴ (دنیای قشنگ نو) و اورول^۵ (۱۹۸۴) نشان داد که الگوهای نام‌گذاری معمولاً با تم‌های نمادین مانند قدرت، کنترل و دسته‌بندی در ارتباط هستند. این یافته‌ها اهمیت بررسی نام‌ها را به عنوان ابزار بازنمایی قدرت و کنترل اجتماعی در متن برجسته می‌کنند و نشان می‌دهند که تحلیل دقیق نام‌ها می‌تواند فهم عمیق‌تری از ساختار اجتماعی و فرهنگی متون ادبی ارائه دهد.

در ادبیات آفریقایی، پژوهش اودوور و اوکورو^۶ (۲۰۱۸) با بررسی رمان‌های منتخب نیجریه نشان داد که نام‌ها ارتباط مستقیم با هویت فردی و جمعی شخصیت‌ها، فرهنگ محلی، تاریخ و روابط قدرت اجتماعی دارند. این پژوهش تأکید می‌کند که تحلیل نام‌ها فراتر از ابزار شناسایی شخصیت است و می‌تواند بازنمایی فرهنگی و اجتماعی متن را آشکار سازد. چنین نتایجی ضرورت مطالعه و تحلیل نام‌ها در متون فارسی، به ویژه در شعر کلاسیک و کمتر پژوهش‌شده‌ای مانند اشعار حافظ را نشان می‌دهد.

مرور این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نام‌ها ابزار مهمی برای بازنمایی هویت فردی و جمعی، تحلیل روابط قدرت و بازتاب ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی هستند.

در پژوهش‌های ایرانی، در حوزه ادبیات کلاسیک، قائم‌مقامی (۱۳۹۷) به تحلیل نام‌ها و لقب‌های ترکی در شاهنامه فردوسی پرداخت. یافته‌ها نشان می‌دهد که نام‌ها و لقب‌ها حامل اطلاعات هویتی، خانوادگی و سیاسی شخصیت‌ها هستند و تحلیل آنها به درک تعامل زبان و جامعه در متون حماسی کمک می‌کند. این پژوهش چارچوب مناسبی برای بررسی نام‌های ملی، تاریخی و اسطوره‌ای در متون ادبی فراهم می‌کند. حسینی (۱۳۹۸) به بررسی نام‌ها در رمان‌های نجیب محفوظ پرداخت. او نشان داد که انتخاب نام‌ها نه تنها شخصیت‌پردازی را ممکن می‌کند، بلکه مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه مصر را نیز بازتاب می‌دهد. مطالعه او نشان می‌دهد که نام‌ها ابزار مهمی برای تحلیل هویت و ساختار اجتماعی در متون ادبی هستند و می‌توان از چارچوب تحلیلی او برای متون فارسی نیز الگوبرداری کرد.

در حوزه رمان فارسی معاصر، فرهنگی و رشت‌بهشت (۱۳۹۸)، نام را در رمان ملکوت بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نویسنده رمان (بهرام صادقی) با انتخاب نام‌های مذهبی و نمادین برای شخصیت‌ها، همخوانی آنها با ویژگی‌های شخصیتی و زمینه اجتماعی داستان را حفظ کرده‌است. استفاده

¹ Dystopia

² Butler, J. O.

³ Zamyatin, Y.

⁴ Huxley, A.

⁵ Orwell, G.

⁶ Oduor, J., & Okoro, F.

از نام‌های نمادین و مذهبی در این رمان بازتاب‌دهنده نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی نویسنده و نیز شرایط محیط اجتماعی است.

فرهنگی و رشت بهشت (۱۳۹۸) در پژوهش دیگری با عنوان «نام‌گزینی در رمان *خواب زمستانی* اثر گلی ترقی» به تحلیل انتخاب نام‌ها در رمان پرداختند. آنها نشان دادند که نویسنده با استفاده از نام‌های خاص، شخصیت‌ها را از نظر ویژگی‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی متمایز می‌کند و نام‌ها نقش مهمی در بازنمایی هویت فردی و جمعی شخصیت‌ها دارند. تحلیل نام‌ها در این رمان نشان می‌دهد که نویسنده برای ایجاد انسجام معنایی و پیوند با زمینه اجتماعی داستان، به دقت انتخاب‌های نامی انجام داده است و این امر فهم بهتر روابط اجتماعی و فرهنگی متن را ممکن می‌سازد.

در رمان *همسایه‌ها* اثر احمد محمود، احمدوندی (۱۴۰۰) نشان داد که نام‌های شخصیت‌ها بازتاب‌دهنده وضعیت اقتصادی، هنجارهای اجتماعی و ساختار قدرت جامعه هستند. انتخاب نام‌ها علاوه بر شخصیت‌پردازی، به بازتاب محیط اجتماعی و فرهنگی متن کمک می‌کند و تحلیل آنها می‌تواند به فهم دقیق‌تری از روابط قدرت و جایگاه اجتماعی شخصیت‌ها منجر شود.

سلیمی (۱۴۰۰) به بررسی بازی‌های زبانی حافظ با نام‌های کنیز و غلام پرداخته و نشان داده است که این نام‌ها فراتر از شناسایی شخصیت، حامل معانی پیچیده معنایی و فرهنگی هستند. این مطالعه تأکید می‌کند که تحلیل نام‌ها می‌تواند ابعاد پنهان معنا و روابط اجتماعی در شعر را آشکار سازد. چنین یافته‌هایی چارچوبی فراهم می‌آورند تا پژوهش حاضر بتواند با تمرکز بر نام‌های مطرح در اشعار حافظ، نقش آنها را در بازنمایی هویت اجتماعی و فرهنگی تحلیل کند.

با توجه به این پژوهش‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که تحلیل نام‌ها در متون ادبی نه تنها در فهم بهتر معنا و ساختار متن کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به تحلیل‌های جامعه‌شناختی، فرهنگی و روان‌شناختی نیز راهنمایی کند. پژوهش حاضر با الهام از این مطالعات، قصد دارد تعدادی از نام‌های موجود در غزلیات حافظ را تحلیل کرده و نقش آنها را در بازنمایی هویت اجتماعی، فرهنگی و معنایی متن بررسی کند. چنین تحلیلی می‌تواند به گسترش دانش زبان‌شناسی اجتماعی و ادبیات نظریه‌محور در زمینه نام‌ها کمک کند و الگویی برای پژوهش‌های مشابه در ادبیات کلاسیک و معاصر ارائه دهد.

برای تحلیل داده‌ها چارچوب‌های نظری متفاوتی وجود دارد. در این پژوهش، دیدگاه وارداف و فولر (۲۰۲۱) مبنای این کار قرار گرفته است که در ادامه، به طور مختصر معرفی می‌شود.

زبان‌شناسی اجتماعی به عنوان شاخه‌ای از زبان‌شناسی، بر این اصل استوار است که زبان نه یک پدیده صرفاً فردی و انتزاعی، بلکه ابزاری اجتماعی و فرهنگی است که در بستر روابط انسانی شکل می‌گیرد و معنا می‌یابد. وارداف و فولر (۲۰۲۱) در کتاب خود با عنوان *مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی اجتماعی*^۱ با مرور رویکردها و مباحث بنیادین، چارچوبی نظری برای فهم رابطه میان زبان و جامعه فراهم کرده‌اند که می‌تواند

^۱ *An Introduction to Sociolinguistics*

به عنوان مبنایی برای تحلیل‌های زبان‌شناختی در متون ادبی نیز به کار رود. در این چارچوب، چند شاخص اساسی مطرح می‌شود که برای تحلیل نام‌ها در متون مختلف اهمیت ویژه‌ای دارند:

۲-۱- زبان و هویت اجتماعی

نخستین اصل بنیادین در زبان‌شناسی اجتماعی، پیوند میان زبان و هویت اجتماعی است. وارداف و فولر تأکید دارند که افراد از طریق زبان، خود را به گروه‌های خاص اجتماعی وابسته می‌دانند و هویت خویش را بازنمایی می‌کنند. انتخاب واژگان، سبک گفتار یا حتی نام‌ها، نه تنها وسیله‌ای برای ارتباط بلکه ابزاری برای بازشناسی و بازنمایی هویت فردی و جمعی است؛ به عنوان مثال، پژوهش‌های لَبَو (۱۹۶۶) درباره تلفظ در نیویورک که وارداف و فولر به آن استناد می‌کنند، نشان داد که نحوه تلفظ یک واج می‌تواند نشان‌دهنده طبقه اجتماعی گوینده باشد و حتی افراد برای نشان دادن موقعیت اجتماعی بالاتر، شکل زبانی خود را تغییر می‌دهند. این مثال نشان می‌دهد که زبان همواره با تمایزات اجتماعی و هویتی پیوندی جدایی‌ناپذیر دارد. بنابراین، مطالعه نام‌ها نیز می‌تواند ابزاری برای درک این پیوند باشد؛ زیرا انتخاب یا تکرار یک نام می‌تواند نشان‌دهنده هویت جمعی یا فردی خاصی باشد.

۲-۲- سبک اجتماعی و بافت موقعیتی

وارداف و فولر بحث مهم دیگری را در مورد سبک^۱ و بافت موقعیتی مطرح می‌کنند. به باور آنان، هیچ انتخاب زبانی بی‌ارتباط با موقعیت اجتماعی و زمینه کاربرد نیست. افراد بسته به موقعیت، سبک زبانی متفاوتی برمی‌گزینند؛ زبان رسمی در محیط‌های نهادی و زبان غیررسمی در گفت‌وگوهای دوستانه. آنها مثال می‌زنند که فردی در محیط کاری ممکن است عبارتی نظیر «سلام عرض می‌کنم» را به کار ببرد، در حالی که در جمع دوستان از عباراتی مانند «سلام رفیق!» استفاده می‌کند. این تغییر سبک نشان می‌دهد که زبان همواره بافت‌محور است. بر همین اساس، استفاده از نام‌ها نیز می‌تواند تابع بافت باشد؛ به عنوان مثال، کاربرد نام‌های رسمی در اسناد حقوقی و نام‌های مستعار در جمع‌های صمیمی، بازتابی از نقش موقعیت اجتماعی در انتخاب زبانی است.

۲-۳- هویت فرهنگی و بازنمایی نمادین

عنصر مهم دیگر در دیدگاه وارداف و فولر، کارکرد نمادین زبان در بازنمایی هویت فرهنگی است. آنان تأکید دارند که زبان تنها ابزاری برای انتقال پیام نیست، بلکه نماد ارزش‌های فرهنگی، سنت‌ها و تعلقات اجتماعی است. در این چارچوب، انتخاب واژگان یا نام‌ها اغلب حامل بار نمادین است و می‌تواند به مثابه نشانه‌ای از فرهنگ خاصی درک شود. مثال روشنی که آنها ارائه می‌دهند، به جوامع دوزبانه مربوط می‌شود؛ برای نمونه، یک فرد پورتوریکویی در ایالات متحده ممکن است به عمد واژه‌ها یا نام‌های اسپانیایی را در میان گفتار انگلیسی خود به کار ببرد تا هویت قومی خویش را برجسته سازد. بدین ترتیب، زبان نقشی دوگانه دارد: هم وسیله ارتباط است و هم نماد فرهنگی. این اصل نشان می‌دهد که نام‌ها، به ویژه در متون

¹ Labov, W.

² style

ادبی، می‌توانند حامل معنایی بسیار فراتر از شناسایی فرد باشند و به عنوان نشانه‌های فرهنگی و نمادین عمل کنند.

۲-۴- قدرت و ایدئولوژی در زبان

وارداف و فولر (۲۰۲۱) بعد دیگری از زبان را بررسی می‌کنند که به روابط قدرت و ایدئولوژی مربوط است. آنها یادآور می‌شوند که زبان نه تنها بازتاب جامعه، بلکه ابزاری برای اعمال قدرت و بازتولید ایدئولوژی‌ها است. در بسیاری از جوامع، زبان رسمی دولت‌ها در برابر زبان‌های محلی نمونه‌ای روشن از سلطه زبانی است. افراد با استفاده از زبان رسمی، خود را با قدرت و اقتدار حاکم همسو می‌سازند، در حالی که انتخاب زبان محلی می‌تواند نشانه مقاومت در برابر سلطه تلقی شود. نمونه بارز این پدیده را می‌توان در کشورهای مشاهده کرد که در آنها زبان ملی بر زبان‌های اقلیت تحمیل می‌شود.

۳- روش پژوهش

در این پژوهش که از نوع کیفی و به لحاظ هدف توصیفی - تحلیلی است، برای تحلیل نام‌ها در غزلیات حافظ از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. دلیل آن ماهیت کیفی پژوهش و نیاز به انتخاب نام‌هایی است که ظرفیت نظری کافی برای تحلیل بر اساس پنج شاخص وارداف و فولر (هویت اجتماعی، سبک و بافت، هویت فرهنگی و نمادین، قدرت و ایدئولوژی، درون‌گروه/برون‌گروه) را داشته باشند. بدین منظور، ابتدا همه نام‌های خاص دیوان حافظ فهرست و سپس در سه دسته مذهبی، جغرافیایی و ملی - اساطیری طبقه‌بندی شدند. از هر دسته، سه نام (یوسف، موسی، عیسی / کنعان، کعبه، بنگاله / جمشید، سیاوش، بهرام) بر اساس دو معیار «بسامد نسبتاً بالا» و «تنوع معنایی» انتخاب شدند. واحد تحلیل در این پژوهش «بیت» حاوی نام مورد نظر است.

۴- تحلیل داده‌ها

تحلیل نام‌ها در متون ادبی یکی از حوزه‌های مهم زبان‌شناسی اجتماعی و نام‌شناسی است، زیرا با توجه به نتایج پژوهش‌های متعدد، نام‌ها علاوه بر شناسایی شخصیت‌ها، بازتاب‌دهنده هویت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هستند و نقش مهمی در انتقال معنا و بازنمایی روابط قدرت دارند. در این بخش، با توجه به دیدگاه وارداف و فولر (۲۰۲۱) داده‌های پژوهش تجزیه و تحلیل می‌شوند. داده‌های پژوهش شامل سه نام مذهبی، سه نام جغرافیایی و سه نام ملی - اسطوره‌ای به طور تصادفی انتخاب شدند.

۴-۱- تحلیل نام‌های مذهبی

۴-۱-۱- بیت اول

یوسف گم گشته بازآید به کنعان، غم مخور کلبه احزان شود روزی گلستان، غم مخور

۱. هویت اجتماعی

وارداف و فولر عنوان می‌کنند که زبان ابزار بازنمایی هویت اجتماعی است. در این بیت، نام «یوسف» علاوه بر هویت فردی، به هویت جمعی دینی نیز اشاره دارد. یوسف نماد پاکی، صداقت و معنویت است و استفاده از این نام نشان می‌دهد که گوینده یا نویسنده با ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه دینی خود همسوست.

۲. سبک اجتماعی و بافت موقعیتی

این نام در متن ادبی حافظ در بافت عارفانه و مذهبی آمده است، که با سبک رسمی و مقدس شعر مطابقت دارد. انتخاب این نام بافت موقعیتی معنوی و عرفانی را تقویت می‌کند و فضایی شاعرانه و اخلاقی ایجاد می‌کند.

۳. هویت فرهنگی و بازنمایی نمادین

وارداف و فولر تأکید می‌کنند که زبان حامل ارزش‌های فرهنگی و نمادهای اجتماعی است. نام «یوسف» در ادبیات فارسی نمادی از پاکی، امتحان الهی و زیبایی روحانی است. انتخاب این نام در شعر، بازنمایی فرهنگی جامعه اسلامی و نمادی از آموزه‌های دینی است که حافظ قصد دارد منتقل کند.

۴. قدرت و ایدئولوژی در زبان

طبق دیدگاه وارداف و فولر (همان)، زبان بازتاب روابط قدرت و ایدئولوژی است. استفاده از نام‌های مذهبی مانند «یوسف» می‌تواند نشان‌دهنده سلطه و اقتدار گفتمان دینی باشد، زیرا یادآور ارزش‌ها و آموزه‌هایی است که جامعه دینی بر آنها تأکید دارد و شاعر با انتخاب این نام، این گفتمان را بازتولید می‌کند.

۵. درون‌گروه و برون‌گروه

وارداف و فولر (همان) بر نقش زبان در ایجاد مرزهای اجتماعی تأکید دارند. نام «یوسف» گویای تعلق شاعر به درون‌گروه دینی مسلمانان است و برای مخاطبی که با داستان یوسف در قرآن و ادبیات دینی آشنا است، پیوند فرهنگی و هویتی ایجاد می‌کند. این نام مرزهای فرهنگی و هویتی «ما» و «دیگران» را مشخص می‌سازد.

به‌طور کلی در این بیت، «یوسف» فراتر از یک اسم است؛ او به‌عنوان نماد هویتی، فرهنگی، ایدئولوژیک و درون‌گروهی عمل می‌کند و دقیقاً همان چیزی را نشان می‌دهد که وارداف و فولر درباره نقش زبان در جامعه گفته‌اند.

۴-۱-۲- بیت دوم

ز آتش وادی / ایمن نه منم خرم و بس / موسی / آنجا به / امید قبسی می‌آید

۱. هویت اجتماعی

وارداف و فولر (۲۰۲۱) تأکید می‌کنند که زبان ابزاری برای بازنمایی هویت فردی و جمعی است. در این بیت، نام «موسی» نماد پیامبر بزرگ الهی است که همه مسلمانان و حتی یهودیان و مسیحیان او را می‌شناسند. حافظ با به‌کارگیری این نام، همبستگی خود را با یک هویت مشترک دینی نشان می‌دهد و به مخاطب یادآور می‌شود که شعر او ریشه در گفتمان دینی دارد.

۲. سبک اجتماعی و بافت موقعیتی

مطابق با دیدگاه وارداف و فولر (همان)، زبان همواره به بافت وابسته است. آوردن نام موسی در یک فضای عرفانی-قرآنی انتخابی متناسب با سبک شعر است. این نام نه تنها بار تاریخی دارد، بلکه بافت موقعیتی شعر را از سطح فردی به سطح متعالی و قدسی می‌برد و ارتباط آن با تجربه عرفانی «وادی ایمن» را برجسته می‌سازد.

۳. هویت فرهنگی و بازنمایی نمادین

وارداف و فولر (همان) می‌گویند زبان نماد فرهنگ است. موسی در فرهنگ اسلامی نماد نبوت، رهبری قوم و مواجهه با حقیقت الهی است. در این بیت، حافظ او را به عنوان نمادی از سالک حقیقت معرفی می‌کند؛ کسی که در طلب نور (قیس) است. بنابراین، موسی نه فقط یک نام، بلکه یک نماد فرهنگی-دینی است که معنای عمیق عرفانی را منتقل می‌کند.

۴. قدرت و ایدئولوژی

طبق عقیده وارداف و فولر (همان)، زبان با ساختار قدرت و ایدئولوژی پیوند دارد. استفاده از نام موسی بازتولید ایدئولوژی دینی است که حافظ درون آن زندگی می‌کرد. این نام برای مخاطب مسلمان یادآور متون مقدس است و شعر حافظ از طریق این نام مشروعیت معنوی و فرهنگی پیدا می‌کند. در واقع، شاعر با بهره‌گیری از گفتمان قدرت دینی، شعر خود را به سطح بالاتری از اقتدار معنایی می‌رساند.

۵. درون‌گروه و برون‌گروه

وارداف و فولر (همان) اشاره می‌کنند که زبان می‌تواند مرزهای «ما» و «دیگران» را بسازد. انتخاب نام موسی در شعری عرفانی باعث می‌شود که مخاطبان آشنا با قرآن و فرهنگ اسلامی (درون‌گروه) بتوانند معنای عمیق شعر را درک کنند، در حالی که برای مخاطب بیرون از این گفتمان (برون‌گروه)، شعر ممکن است تنها یک تصویر شاعرانه از آتش و وادی باشد.

در این بیت، نام «موسی» ابزاری است برای پیوند دادن شعر حافظ با هویت دینی جمعی، تقویت سبک عرفانی، بازنمایی نمادین فرهنگ اسلامی، بازتولید گفتمان قدرت دینی و مرزبندی میان مخاطب درون‌گروهی و بیرونی. این دقیقاً همان چیزی است که وارداف و فولر درباره نقش زبان در ساخت هویت و بازتولید ایدئولوژی توضیح داده‌اند

۴-۱-۳- بیت سوم

با که این نکته توان گفت که آن سنگین دل کشت ما را و دم عیسی مریم با اوست

۱. هویت اجتماعی

وارداف و فولر (۲۰۲۱) بیان می‌کنند که زبان و انتخاب نام‌ها ابزار بازنمایی هویت اجتماعی است. نام «عیسی» در این بیت نه تنها یک شخصیت مذهبی بلکه نماینده یک هویت جمعی و اعتقادی است که جامعه اسلامی آن را می‌شناسد. حافظ با آوردن این نام، پیوند خود و شعرش را با هویت دینی مخاطبان تثبیت می‌کند و از طریق آن احساس هم‌ذات‌پنداری دینی ایجاد می‌شود.

۲. سبک اجتماعی و بافت موقعیتی

به گفته وارداف و فولر (۲۰۲۱)، سبک زبان وابسته به موقعیت است. آوردن نام «عیسی» در این بیت با لحن اخلاقی و نقد اجتماعی سازگار است و بافت موقعیتی آن، یعنی اشاره به «سنگین دل» و «کشت ما»، نشان می‌دهد که نام، هم در سطح معنا و هم در سطح سبک، پیام ویژه‌ای به مخاطب منتقل می‌کند.

۳. هویت فرهنگی و بازنمایی نمادین

زبان نماد فرهنگ است و انتخاب نام‌ها حامل بار فرهنگی و نمادین است. نام «عیسی» در شعر حافظ نماد پاکی، معجزه و شفاعت است و یادآور آموزه‌های مشترک دینی است. همچنین آوردن «مریم» در کنار آن، بار فرهنگی و مذهبی را تقویت می‌کند و به مخاطب ایرانی-اسلامی زمینه فرهنگی مشترک را یادآوری می‌کند.

۴. قدرت و ایدئولوژی

به باور وارداف و فولر (۲۰۲۱) زبان همواره با قدرت و ایدئولوژی در ارتباط است. نام «عیسی» با آموزه‌های دینی و گفتمان مذهبی جامعه مطابقت دارد و حافظ با انتخاب آن، به‌طور غیرمستقیم اقتدار گفتمان دینی را در متن بازتولید می‌کند. این نام همچنین می‌تواند نقد یا اشاره به عدالت الهی و سرنوشت انسان‌ها را بازتاب دهد.

۵. درون گروه و برون گروه

نام «عیسی» برای مخاطبانی که با آموزه‌های دینی آشنا هستند، درون گروه را مشخص می‌کند، در حالی که کسانی که با این متون ناآشنا هستند، در برون گروه قرار می‌گیرند. این انتخاب نشان می‌دهد که حافظ از زبان برای ایجاد مرزهای فرهنگی و هویتی بهره می‌برد و نام‌ها نقش تعیین‌کننده در این مرزبندی دارند.

۴-۲- تحلیل نام جغرافیایی

۴-۲-۱- بیت اول

یوسف گم‌گشته بازآید به کنعان، غم مخور / کلبه احزان شود روزی گلستان، غم مخور

۱. هویت اجتماعی

وارداف و فولر (۲۰۲۱) معتقدند زبان ابزاری برای بازنمایی هویت اجتماعی است. «کنعان» به عنوان نام جغرافیایی تاریخی و مذهبی، با هویت جمعی مرتبط است. آوردن این نام در شعر حافظ، هویت یوسف را در چارچوب تاریخی و اجتماعی-دینی مشخص می‌کند و مخاطب را با فضایی آشنا از تاریخ دینی و فرهنگی مرتبط می‌سازد.

۲. سبک اجتماعی و بافت موقعیتی

نام جغرافیایی «کنعان» با سبک عرفانی و امیدبخش بیت هماهنگ است. بازگشت یوسف به کنعان نشان‌دهنده رهایی، بازگشت به سرزمین امن و تحقق وعده است. این بافت موقعیتی، پیام معنوی و اخلاقی شعر را تقویت می‌کند و به مخاطب حس امید و آرامش می‌دهد.

۳. هویت فرهنگی و بازنمایی نمادین

از دیدگاه وارداف و فولر (۲۰۲۱) زبان حامل ارزش‌ها و نمادهای فرهنگی است. «کنعان» نمادی از سرزمین موعود، امنیت و تحقق وعده الهی است. انتخاب این نام جغرافیایی، بار فرهنگی و مذهبی متن را افزایش می‌دهد و بافت تاریخی و دینی شعر را به مخاطب منتقل می‌کند.

۴. قدرت و ایدئولوژی

نام «کنعان» در شعر حافظ، علاوه بر معنای جغرافیایی، بازتابی از نظم دینی و تاریخی است. بازگشت یوسف به کنعان، تحقق وعده الهی و قدرت الهی در هدایت انسان‌ها را نشان می‌دهد، و به‌نوعی گفتمان اخلاقی و ایدئولوژیک متن را تقویت می‌کند.

۵. درون گروه و برون گروه

همان‌طور که وارداف و فولر (۲۰۲۱) مطرح کرده‌اند، زبان مرزهای گروهی را مشخص می‌کند. مخاطبی که با تاریخ دینی و نام «کنعان» آشنا است، درون گروه محسوب می‌شود و می‌تواند عمق معنایی شعر را درک کند. کسانی که با این زمینه آشنا نیستند، در برون گروه قرار می‌گیرند. این مرزبندی هویتی و فرهنگی، نقش مهمی در فهم متن دارد.

نام جغرافیایی «کنعان» در بیت حافظ فراتر از مکان، مکانی ساده عمل می‌کند. این نام ابزاری است برای بازنمایی هویت اجتماعی و تاریخی یوسف، ایجاد بافت موقعیتی و سبک معنوی، انتقال نمادهای فرهنگی و دینی، تقویت گفتمان قدرت و ایدئولوژی، و مرزبندی میان مخاطبان درون گروه و برون گروه. همانند نام‌های مذهبی، تحلیل نام جغرافیایی نیز می‌تواند با استفاده از چارچوب وارداف و فولر، درک عمیق‌تر و جامعه‌زبان‌شناختی از شعر ارائه دهد.

۴-۲-۲- بیت دوم

دل کز طواف کعبه کویت و قوف یافت / از شوق آن حریم ندارد سر حجاز

۱. هویت اجتماعی

وارداف و فولر (۲۰۲۱) معتقدند که زبان ابزار بازنمایی هویت اجتماعی است. «کعبه» نماد مرکزی دین اسلام و محل گردهم‌آیی اجتماعی مسلمانان است. آوردن این نام جغرافیایی در شعر حافظ، هویت شاعر را در چارچوب هویت جمعی دینی تثبیت می‌کند و پیوند او با جامعه مسلمان را نشان می‌دهد.

۲. سبک اجتماعی و بافت موقعیتی

نام «کعبه» با سبک عرفانی و مذهبی بیت هماهنگ است. با اشاره به طواف کعبه و شوق حریم آن، بیت فضایی معنوی، عاطفی و متعالی ایجاد می‌کند که مخاطب را به درک تجربه عرفانی شاعر هدایت می‌کند.

۳. هویت فرهنگی و بازنمایی نمادین

طبق باور وارداف و فولر، زبان حامل نمادهای فرهنگی است. «کعبه» نماد مرکزی عبادت، توحید و تجربه زیارتی است. این نام نه تنها مکانی جغرافیایی، بلکه حامل معانی عمیق فرهنگی و مذهبی است که با ارزش‌های جامعه اسلامی پیوند دارد و معنای عرفانی بیت را تقویت می‌کند.

۴. قدرت و ایدئولوژی

زبان بازتاب روابط قدرت و گفتمان است. «کعبه» به عنوان نماد قدرت دینی و وحدت مذهبی، بازتولید ایدئولوژی اسلامی در متن است. اشاره به طواف و شوق، حضور گفتمان مذهبی و مشروعیت دینی را در شعر تقویت می‌کند.

۵. درون گروه و برون گروه

همان‌طور که وارداف و فولر بیان کردند، زبان مرزهای گروهی را مشخص می‌کند. نام «کعبه» برای مخاطبان مسلمان، درون گروه محسوب می‌شود و امکان درک عمیق معنای شعر را فراهم می‌آورد، در حالی که برای مخاطبی که با آموزه‌ها و نمادهای دینی آشنا نیست، برون گروه ایجاد می‌کند. این امر مرزبندی هویتی و فرهنگی بیت را مشخص می‌سازد.

«کعبه» در این بیت حافظ، فراتر از یک نام مکانی ساده عمل می‌کند و ابزاری است برای بازنمایی هویت اجتماعی و مذهبی، ایجاد بافت عرفانی و معنوی، انتقال نمادهای فرهنگی و دینی، بازتولید گفتمان قدرت و ایدئولوژی، و تعیین مرزهای درون گروه و برون گروه. تحلیل این نام جغرافیایی دقیقاً مطابق با شاخص‌های وارداف و فولر، درک زبان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی شعر را ممکن می‌سازد

۴-۲-۳- بیت سوم

شکر شکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که به بنگاله می‌برند

۱. هویت اجتماعی

مطابق با نظر وارداف و فولر، زبان بازتاب هویت اجتماعی است. «بنگاله» به عنوان یک نام جغرافیایی تاریخی و فرهنگی، اشاره به منطقه‌ای خاص در هند دارد که در تاریخ ارتباط تجاری و فرهنگی با ایران شناخته شده است. آوردن این نام، هویت تجاری-فرهنگی ایرانی را در متن برجسته می‌کند و نشان می‌دهد که حافظ با جامعه‌ای که از تجارت و فرهنگ خارجی آگاهی دارد، ارتباط برقرار می‌کند.

۲. سبک اجتماعی و بافت موقعیتی

وارداف و فولر معتقدند زبان به بافت موقعیتی وابسته است. آوردن «بنگاله» در این بیت با سبک طنزآمیز و تمجیدی حافظ سازگار است. ذکر بنگاله در کنار «قند پارسی» تأکید بر کیفیت و ارزش کالاهای ایرانی دارد و بافت موقعیتی شعر (تمجید از پارسی بودن و کیفیت فرهنگی) را تقویت می‌کند.

۳. هویت فرهنگی و بازنمایی نمادین

زبان حامل نمادهای فرهنگی و اجتماعی است. «بنگاله» در این بیت نمادی از تبادل فرهنگی و تجاری میان ایران و هند است و کیفیت و اعتبار فرهنگی ایران را از طریق کالا و تجارت به نمایش می‌گذارد. این نام جغرافیایی، با بار فرهنگی و اقتصادی، به مخاطب تصویری ملموس از قدرت اقتصادی و فرهنگی ایران ارائه می‌دهد.

۴. قدرت و ایدئولوژی

زبان با گفتمان قدرت و ایدئولوژی مرتبط است. نام «بنگاله» بازتابی از سلطه اقتصادی و فرهنگی ایران در تجارت با هند است و نشان می‌دهد که حافظ از زبان و نام‌های جغرافیایی برای برجسته کردن نفوذ

فرهنگی و اقتصادی ایران استفاده می‌کند. این بازنمایی، نوعی مشروعیت فرهنگی و اجتماعی برای جامعه ایرانی ایجاد می‌کند.

۵. درون گروه و برون گروه

نام «بنگاله» برای مخاطبانی که با تاریخ و تجارت ایران و هند آشنا هستند، درون گروه محسوب می‌شود و درک معنا و نکته طنزآمیز شعر را ممکن می‌سازد. برای مخاطبانی که با این زمینه آشنا نیستند، این نام به عنوان برون گروه عمل می‌کند. این مرزبندی هویتی و فرهنگی، نقش مهمی در فهم متن دارد.

نام جغرافیایی «بنگاله» در بیت حافظ علاوه بر اشاره به مکان، حامل هویت فرهنگی و اقتصادی، نماد تبادل فرهنگی و مشروعیت اجتماعی است، و با شاخص‌های پنج‌گانه وارداف و فولر، تحلیل جامعه‌زبان‌شناختی دقیق از شعر را ممکن می‌سازد

۴-۳- تحلیل نام‌های ملی و اساطیری

۴-۳-۱- بیت اول

چه خوش گفت جمشید با تاج و گنج که یک جو نیززد سرای سپنج

۱. هویت اجتماعی

وارداف و فولر بیان می‌کنند که زبان بازتاب هویت اجتماعی و جمعی است. «جمشید» در فرهنگ ایرانی نماد شاهی، شکوه، قدرت و تمدن باستانی است. آوردن این نام در شعر حافظ به مخاطب یادآوری می‌کند که متن به میراث هویتی و تاریخی ایران متصل است و شاعر خود را در چارچوب ارزش‌های اجتماعی-تاریخی جامعه ایرانی قرار می‌دهد.

۲. سبک اجتماعی و بافت موقعیتی

نام «جمشید» با سبک تمثیلی و اخلاقی بیت هماهنگ است. ذکر شاه اساطیری در کنار نقد دنیاپرستی («یک جو نیززد سرای سپنج») به ایجاد بافتی آموزنده و هشداردهنده کمک می‌کند. این بافت موقعیتی باعث می‌شود که مخاطب ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی را به صورت ضمنی درک کند.

۳. هویت فرهنگی و بازنمایی نمادین

زبان نماد فرهنگ است و نام‌ها حامل بار فرهنگی و معنایی هستند. «جمشید» نمادی از تاریخ، فرهنگ و اساطیر ایرانی است و انتخاب این نام، بازنمایی ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی ایران باستان را ممکن می‌سازد. این نام نشان‌دهنده غنای فرهنگی و اتصال شعر به میراث ملی است.

۴. قدرت و ایدئولوژی

وارداف و فولر (۲۰۲۱) می‌گویند که زبان می‌تواند بازتولید گفتمان قدرت و ایدئولوژی کند. «جمشید» نماد قدرت شاهانه و مدیریت جهان است، ولی حافظ با آوردن عبارت «یک جو نیززد» نوعی نقد اجتماعی و اخلاقی را منتقل می‌کند. این استفاده از نام، هم بازتولید قدرت فرهنگی است و هم نقد ایدئولوژی مادی‌گرایانه.

۵. درون گروه و برون گروه

طبق عقیده وارداف و فولر (۲۰۲۱)، نام‌ها مرزهای هویتی و فرهنگی ایجاد می‌کنند. «جمشید» برای مخاطبان ایرانی که با اساطیر و تاریخ ایران آشنا هستند، درون‌گروه محسوب می‌شود و درک ضمنی پیام اخلاقی و فرهنگی شعر را ممکن می‌سازد، در حالی که مخاطبی که با این زمینه ناآشناست، در برون‌گروه قرار می‌گیرد.

نام «جمشید» در شعر حافظ نه تنها به یک شخصیت اساطیری اشاره می‌کند، بلکه بازنمایی هویت ملی، ارزش‌های فرهنگی، نقد اجتماعی و بازتولید نمادهای قدرت و ایدئولوژی را نیز ممکن می‌سازد. تحلیل آن بر اساس پنج شاخص وارداف و فولر، چارچوبی جامعه‌زبان‌شناختی و فرهنگی برای درک عمیق بیت فراهم می‌کند.

شاه ترکان سخن مدعیان می‌شوند / شرمی از مظلومه خون سیاوشش باد

۱. هویت اجتماعی

وارداف و فولر اذعان می‌کنند که نام‌ها ابزار بازنمایی هویت اجتماعی هستند. «سیاوش» در فرهنگ ایرانی نماد بی‌گناهی، عدالت و مظلومیت است. آوردن این نام در شعر حافظ، هویت فرهنگی و تاریخی جامعه ایرانی را بازتاب می‌دهد و مخاطب را با ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی ایرانیان آشنا می‌سازد.

۲. سبک اجتماعی و بافت موقعیتی

بر اساس نظر وارداف و فولر (۲۰۲۱)، نام‌ها با بافت موقعیتی هماهنگ می‌شوند. ذکر سیاوش در این بیت با سبک اخلاقی و انتقادی شعر همخوانی دارد و فضایی غمگین و تأمل‌برانگیز ایجاد می‌کند که مخاطب را به تفکر درباره عدالت، ظلم و پیامدهای آن فرا می‌خواند.

۳. هویت فرهنگی و بازنمایی نمادین

زبان حامل نمادهای فرهنگی است. «سیاوش» نماد شرافت، وفاداری و مظلومیت در اساطیر ایران است و به‌کارگیری این نام، یادآور فرهنگ و تاریخ ملی است. این نمادسازی، شعر را از سطح فردی به سطح جمعی و تاریخی می‌برد و ارتباط فرهنگی عمیق‌تری ایجاد می‌کند.

۴. قدرت و ایدئولوژی

نام‌ها می‌توانند گفتمان قدرت و ایدئولوژی را بازتولید کنند. نام «سیاوش» ضمن بازتاب مظلومیت، نقدی به حاکمان ظالم و مدعیان قدرت ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که حافظ از نام‌های اساطیری برای بیان دیدگاه‌های اخلاقی و سیاسی خود استفاده می‌کند. این نام، گفتمان عدالت و مظلومیت را تقویت می‌کند.

۵. درون‌گروه و برون‌گروه

طبق باور وارداف و فولر، نام‌ها مرزهای هویتی ایجاد می‌کنند. مخاطبان آشنا با اساطیر ایران، درون‌گروه محسوب می‌شوند و پیام اخلاقی و فرهنگی بیت را درمی‌یابند. کسانی که با این زمینه تاریخی و فرهنگی آشنا نیستند، در برون‌گروه قرار می‌گیرند. این مرزبندی، نقش مهمی در فهم دقیق شعر دارد.

نام «سیاوش» در شعر حافظ فراتر از یک نام اساطیری عمل می‌کند؛ بازنمایی هویت ملی و فرهنگی، نماد مظلومیت و عدالت، نقد اجتماعی و بازتولید گفتمان اخلاقی را ممکن می‌سازد. تحلیل آن بر اساس پنج شاخص وارداف و فولر، چارچوبی جامعه‌زبان‌شناختی و فرهنگی برای درک عمیق بیت فراهم می‌کند

کمند صید بهرامی بیفکن، جام می‌بردار که من پیموده‌ام/ این صحرا، نه بهرام/ است پیدا و نه گورش
۱. هویت اجتماعی

وارداف و فولر معتقدند که نام‌ها بازتاب هویت اجتماعی و جمعی هستند. «بهرام» در فرهنگ ایرانی نماد شاهان ساسانی و قدرت نظامی و جنگاوری است. آوردن این نام در شعر حافظ، اشاره به قدرت و سلطه تاریخی دارد و نشان می‌دهد که شاعر با این هویت فرهنگی و تاریخی آشناست و مخاطبان ایرانی نیز آن را می‌شناسند.

۲. سبک اجتماعی و بافت موقعیتی

وارداف و فولر بر این باور هستند که نام‌ها با بافت موقعیتی هماهنگ می‌شوند. ذکر «بهرام» در این بیت با سبک عاشقانه و عرفانی حافظ همخوانی دارد. شاعر با بیان اینکه «نه بهرام است پیدا و نه گورش»، بر محدودیت و فناپذیری قدرت تاریخی و مادی تأکید می‌کند و فضای فلسفی و تأملی ایجاد می‌کند.

۳. هویت فرهنگی و بازنمایی نمادین

زبان حامل نمادهای فرهنگی و تاریخی است. «بهرام» نماد قدرت، جنگاوری و حکومت است و آوردن این نام، بازنمایی تاریخ ایران باستان و فرهنگ شاهنشاهی را ممکن می‌سازد. همچنین، این نام باعث می‌شود که مخاطب با زمینه تاریخی و فرهنگی شعر ارتباط برقرار کند و عمق معنایی بیشتری دریافت نماید.

۴. قدرت و ایدئولوژی

نام‌ها بازتاب گفتمان قدرت و ایدئولوژی هستند. حافظ با آوردن «بهرام» به عنوان نماد قدرت، ولی بیان فناپذیری آن («نه پیدا و نه گورش») نقدی ضمنی بر سلطه و جاه‌طلبی دنیوی ارائه می‌دهد. این استفاده از نام، هم بازتولید نماد قدرت تاریخی و هم ارائه گفتمان اخلاقی-فلسفی است.

۵. درون‌گروه و برون‌گروه

به باور وارداف و فولر نام‌ها مرزهای هویتی ایجاد می‌کنند. مخاطبان آشنا با تاریخ ایران و شاهان باستانی، درون‌گروه محسوب می‌شوند و پیام انتقادی و فرهنگی بیت را درمی‌یابند، در حالی که دیگران در برون‌گروه قرار می‌گیرند. این مرزبندی فرهنگی و هویتی به فهم دقیق‌تر شعر کمک می‌کند.

نام «بهرام» در شعر حافظ نه تنها اشاره به یک شخصیت تاریخی دارد، بلکه بازنمایی قدرت، فرهنگ و تاریخ ایران، ارائه نقد اجتماعی و فلسفی، و تقویت گفتمان هویتی و فرهنگی را نیز ممکن می‌سازد. تحلیل آن بر اساس پنج شاخص وارداف و فولر، چارچوبی جامعه‌زبان‌شناختی و فرهنگی برای درک عمیق بیت فراهم می‌کند.

در این قسمت، با توجه به پرسش‌های مطرح‌شده، نتایج این پژوهش ارائه خواهد شد. پرسش نخست این بود که نام‌ها در اشعار حافظ چه نقش‌هایی در بازنمایی هویت اجتماعی و فرهنگی دارند؟ بررسی تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که حافظ با ارجاع به شخصیت‌های دینی (یوسف، موسی و عیسی)، نوعی پیوند میان سنت اسلامی - قرآنی و تجربه‌های عاطفی و عرفانی ایجاد می‌کند. این شیوه مشابه با یافته‌های اودوور و اوکورو (۲۰۱۸) در رمان‌های نیجریه‌ای است که نام‌های مذهبی و فرهنگی را وسیله‌ای برای بازنمایی هویت جمعی می‌دانستند. در کنار آن، نام‌های جغرافیایی همچون کنگان، کعبه و بنگاله نشانه‌هایی از گستره فرهنگی و جغرافیایی جهان اسلام و حتی فراتر از آن هستند و بر هویت چندلایه و بینافرهنگی شعر حافظ دلالت دارند؛ همان‌طور که آینیلا (۲۰۰۷) در تحلیل نام‌های مکانی در متون معاصر نشان داد، مکان‌ها فراتر از موقعیت جغرافیایی و نیز حامل ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی‌اند. همچنین، نام‌های ملی و اسطوره‌ای چون جمشید، سیاووش و بهرام حافظ را در امتداد سنت ملی - حماسی ایران قرار می‌دهند و به بازنمایی ریشه‌های هویت ایرانی در دل شعر عرفانی و غنایی کمک می‌کنند؛ موضوعی که با تحلیل قائم‌مقامی (۱۳۹۷) درباره نام‌های شاهنامه هم‌خوانی دارد. بنابراین، حافظ با بهره‌گیری از نام‌ها، لایه‌های متنوعی از هویت اجتماعی - فرهنگی را در شعر خود بازآفرینی کرده است.

پرسش دوم این بود که چگونه می‌توان با تحلیل نام‌ها، روابط قدرت و جایگاه اجتماعی شخصیت‌ها را در فضای شعری حافظ شناسایی کرد؟ مطالعه دقیق تحلیل این پژوهش حاکی از آن است که نام‌های استفاده شده از سوی حافظ نه تنها نشانه‌های هویتی‌اند، بلکه روابط قدرت و جایگاه اجتماعی را نیز بازتاب می‌دهند. برای نمونه، یوسف در شعر حافظ نماد زیبایی و معشوق برتر است که قدرتی فراتر از عقل و خرد دارد؛ این همان نوع بازنمایی قدرت از طریق نام است که باتلر (۲۰۱۰) در داستان‌های دیستوپیایی نشان داد، یعنی جایی که نام‌ها ابزاری برای اعمال قدرت و کنترل‌اند. از سوی دیگر، کعبه به عنوان مکان مقدس، در برابر میخانه یا بنگاله قرار می‌گیرد و تقابل میان قدرت دینی رسمی و تجربه‌های فردی و غیررسمی را برجسته می‌سازد. همچنین، نام‌های ملی چون بهرام (نماد جنگ و دلاوری) یا سیاووش (نماد مظلومیت) حامل جایگاه‌های متفاوت اجتماعی و سیاسی‌اند و در شعر حافظ به‌گونه‌ای بازآفرینی می‌شوند که بیانگر تنش‌ها و روابط قدرت در بستر فرهنگی ایران‌اند. چنین تحلیلی با دیدگاه برندلر (۲۰۰۷) درباره «هویت نام‌ها» هم‌خوان است که تأکید می‌کند هر نام در بافت فرهنگی خود واجد بار قدرت و جایگاه اجتماعی است.

به طور کلی می‌توان گفت که نام‌ها در اشعار حافظ کارکردی چندلایه دارند: از یک سو در بازنمایی هویت اجتماعی و فرهنگی نقش ایفا می‌کنند (با ارجاع به منابع مذهبی، جغرافیایی و ملی) و از سوی دیگر، در ترسیم روابط قدرت و جایگاه اجتماعی شخصیت‌ها و مفاهیم، ابزاری مؤثرند. یافته‌های این پژوهش هم‌راستا با مطالعات بین‌المللی (باتلر، اودوور و اوکورو، آینیلا و برندلر) نشان می‌دهد که تحلیل نام‌ها دریچه‌ای تازه برای فهم شعر حافظ و بررسی تعامل زبان، فرهنگ و جامعه می‌گشاید.

در ادامه این پژوهش پیشنهاد می‌شود نام‌های به‌کاررفته در اشعار دیگر شاعران کلاسیک همچون مولوی و سعدی نیز با شعر حافظ مقایسه شوند تا روندهای مشترک یا تفاوت‌های معنایی روشن شود.

همچنین بررسی بازتاب این نام‌ها در بازنویسی‌ها و برداشت‌های ادبی معاصر می‌تواند نشان دهد که چگونه دلالت‌های اجتماعی و فرهنگی نام‌ها در گذر زمان تغییر کرده است. در نهایت، پیوند دادن نتایج این پژوهش با مطالعات بین‌المللی (مانند آثار باتلر یا پژوهش‌های نام‌شناسی نیجریه‌ای) می‌تواند جایگاه جهانی‌تری برای تحلیل نام‌ها در متون فارسی فراهم آورد.

منابع

- احمدوندی، م. (۱۴۰۰). «نام‌شناسی شخصیت‌ها در رمان همسایه‌ها». *مجله پژوهش‌های نشر و نظم فارسی*، (۱۲)، ۲۶۳-۲۸۱.
- اورول، ج. (۱۳۹۵). ۱۹۱۴، ترجمه ص. حسینی، تهران: نشر نیلوفر.
- حافظ، ش. م. (۱۳۶۲). *دیوان حافظ* (به تصحیح پرویز ناتل خانلری). تهران: انتشارات خوارزمی.
- حسینی، ع. (۱۳۹۸). «بازتاب مسائل اجتماعی-ادبی در نام‌گذاری رمان‌های نجیب محفوظ». *همایش ملی نقد زبان‌شناختی ترجمه‌های معاصر فارسی*.
- زامی‌تین، ی. (۱۳۹۴). *ما*، ترجمه س. سلیمانی، تهران: نشر چشمه.
- سلیمی، ح. (۱۴۰۰). «شگردهای زبانی و معنایی حافظ با اسامی غلامان و کنیزان در ساخت ایهام تناسب». *هنر زبان*، ۶ (۲)، ۲۷-۴۶.
- فرهنگی، س. و رشت‌بهشت، ا. (۱۳۹۸). «نام‌شناسی رمان «ملکوت» اثر بهرام صادقی». *فصلنامه علمی - پژوهشی زبان‌شناسی اجتماعی*، ۳ (۱)، ۱۱-۲۴.
- فرهنگی، س.، رشت‌بهشت، ا. (۱۳۹۸). «نام‌گزینی در رمان خواب زمستانی اثر گلی ترقی». *متن‌پژوهی ادب*، ۲۳ (۸۱)، ۲۲۷-۲۵۴.
- قائم‌مقامی، س. ا. (۱۳۹۷). «درباره چند نام و لقب ترکی در شاهنامه». *جستارهای نوین ادبی*، ۲۰۰، ۲۷۱-۲۸۴.
- هاکسلی، آ. (۱۳۹۷). *دنیای قشنگ نو* (م. عنایت، مترجم). تهران: نشر نیلوفر.
- Ainiāla, T. (2007). "Names and Identities in the Italian Detective Story". In B. Helleland, C.-E. Ore, & S. Wikstrøm (Eds.), *Names and Identities* (pp. 7-16). Oslo: Novus Press.
- Brendler, S. (2007). "Identity of Name(s) as a Crucial Problem in Name Studies: Towards the Recognition of Onymic Identity as a Principal Onomastic Concept". In B. Helleland, C.-E. Ore, & S. Wikstrøm (Eds.), *Names and Identities* (pp. 29-44). Oslo: Novus Press.
- Butler, J. O. (2010). *The Power & Politics of Naming: Literary Onomastics within Dystopian Fiction* (MPhil(R) thesis). University of Glasgow.

- Butler, J. O. (2013). *Name, Place, and Emotional Space: Themed Semantics in Literary Onomastic Research* (PhD thesis). University of Glasgow.
- Helleland, B., Ore, C.-E. and S. Wikstrøm(Eds.). (2007). *Names and Identities. Oslo: Novus Press.*
- Labov, W. (1966). *The Social Stratification of English in New York City.* Washington, DC: Center for Applied Linguistics.
- Oduor, J. and F. Okoro (2018). "Language, Identity and the Cultural Context of Names in Selected Nigerian Novels". ResearchGate.
- Wardhaugh, R. and J.M. Fuller (2021). *An Introduction to Sociolinguistics* (10th ed.). NJ.: Wiley-Blackwell.

ل س د ا ف

.....